

سالشمار زندگی لوییجی پیراندلو. ناهید طباطبائی

۱۸۶۷: ۲۸ ژوئن، تولد در اگریجنتو در حومه سیسیل.

۱۸۷۹: پیراندلو در دوازده سالگی یک تراژدی کوچک می نویسد که در حضور افراد خانواده اش اجرا می شود.

۱۸۸۲: لوییجی جوان از این پس با خانواده اش در پالموز زندگی می کند. در طبقه اول خانه ای در خیابان پورتو دی کاسترو.

۱۸۸۴: پیراندلو ۱۷ ساله، در بندر امپه دوکله، به پدرش در استخراج گوگرد از معدن خانوادگی کمک می کند.

۱۸۸۵: آغاز تحصیل او در دانشکده حقوق و ادبیات پالمو. با دختر عمویش لینا نامزد می کند. کنجکاوی و سپس مطالعات او بصورت پیگیر در زمینه ادبیات آغاز می شود.

۱۸۸۷: تحصیل در دانشکده ادبیات رم. پیراندلو در منزل دائمی اش، ستوان سابق ارتش گاریبالدی سکنا می گزیند.

۱۸۸۹: پیراندلو تحصیلاتش را در آلمان ادامه می دهد و تا سال ۱۸۹۲ در شهر بن اقامت دارد و نخستین مجموعه اشعارش را تحت عنوان درد مطبوع منتشر می کند.

۱۸۹۰: در سن ۲۳ سالگی، مرثیه های رومی اثر گوته را به ایتالیایی ترجمه می کند.

۱۸۹۱: در سن ۲۴ سالگی دومین مجموعه از اشعارش تحت عنوان عید پاک جه منتشر می شود.

۱۸۹۲: در سن ۲۵ سالگی، زار و بیمار به ایتالیا باز می گردد و با گروه Fasci که جمعی از کارگران سوسیالی طرفدار سوسیالیسم و از مخالفان دولت هستند، ابراز همدردی می کند.

۱۸۹۳: آشنائی با لویجی کاپوآنا و در نتیجه آن معاشرت با نویسندگان رمی. در این سال او نخستین رمان منشور خود به نام مطرود را به تشویق کاپوآنا منتشر می کند.

۱۸۹۴: روز ۲۷ ژانویه، با آنتونیه تا پورتولانو، دختری یکی از شرکای پدرش، ازدواج می کند که حاصل این ازدواج سه فرزند با نام های استفانو، لیه تا و فانوستو است. انتشار نخستین مجموعه داستان تحت عنوان عشق های بدون عشق.

۱۸۹۵: تولد پسرش استفانو. انتشار مجموعه اشعار مرثیه های راین، نگارش رمان نوبت.

۱۸۹۶: انتشار مجموعه داستان خورشید و سایه ها.

۱۸۹۷: تدریس ادبیات ایتالیایی در رم. تولد دخترش لیه تا.

۱۸۹۸: چاپ نخستین نمایشنامه اش به نام مؤخره که بعداً به گیره تغییر نام می یابد.

۱۸۹۹: تولد پسرش فانوستو. انتشار نمایشنامه اگر اینگونه نیست که بعداً به وکیل دیگران تغییر نام می یابد.



حنوا، زندانیان سابق نیرد اسپر وموته - نفر سوم نشسته از سمت چپ دایی لونیجی است.

۱۹۰۰: نگارش داستان درختان لیموی سیسیل.

۱۹۰۱: نگارش داستان های شب کلاه های پادوا و در دور دست.

۱۹۰۲: نگارش داستانهای مسخره و نیرنگ های مرگ و زندگی.

۱۹۰۳: در سن ۳۶ سالگی وی، خانواده اش به علت طغیان رودخانه و ریزش آوار در معدن گوگرد ورشکسته می شود. در این تاریخ او به طور فعال با مجلات La nuova و IL Marzocco همکاری می کند.

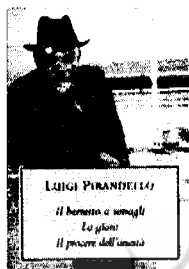
۱۹۰۴: همسرش دیوانه می شود، نگارش مجموعه داستان های سفیدها و سیاه ها و رمان مرحوم ماتیا پاسکال.

۱۹۰۵: به علت مشکلات مالی او به تدریس خصوصی روی می آورد.

۱۹۰۶: نگارش داستان از این بهتر نمی شود.

۱۹۰۷: پیراندلو چهل ساله می شود.

۱۹۰۸: او کرسی استادی در دانشگاه رم را به دست می آورد و این موضوع نقطه پایانی بر



دغدغه های مالی او می گذارد. نگارش دو تحقیق به نام های: هنر و علم و طنزنویسی.

۱۹۰۹: نگارش رمان های شوهر او و پیران و جوانان و نیز داستان خمیره.

۱۹۱۰: نگارش داستان های مراقب باش و طوطی.

۱۹۱۱: انتشار مجموعه داستان زندگی بی غل و عشق.

۱۹۱۲: نگارش داستان های تله، واقعیت و چانو لاما ماه را کشف می کند.

۱۹۱۳: نگارش داستان وقتی آدم بازی را فهمید و کمدی چه چه (CeCe)

۱۹۱۴: نگارش داستان های دو نقاب و جنگ.

۱۹۱۵: مرگ مادر. دیوانگی همسرش شدت می یابد. نگارش داستان مادام فرولا و دامادش

آقای پونزاکه بعدها به صورت نمایشنامه هر کس به شیوه خودش درمی آید. نگارش دو کمدی محلی. نگارش رمان فیلمبرداری می شود.

۱۹۱۶: دو پسرش در جبهه اسیر می شوند. موفقیت در رم به خاطر اجرای کمدی های محلی اش. نگارش کمدی تصدیق.

۱۱ ۱۹۱۷: نمایش هر کس به شیوه خودش در میلان اجرا می شود. نمایش لذت صداقت در رم به صحنه می رود. نشان های افتخار در تورین اجرا می شود. کمدی محلی خمیره در رم به روی صحنه می رود.

۱۹۱۸: نگارش داستان های نقاب و اسبی در ماه و کمدی های بازی نقش ها که در رم اجرا می شود و جدی نگیرید.

۱۹۱۹: پیراندلو تصمیم می گیرد همسرش را که در طول سالیان متمادی بیمار بوده به آسایشگاه بفرستد. نگارش نمایشنامه: انسان، حیوان و تقوی.

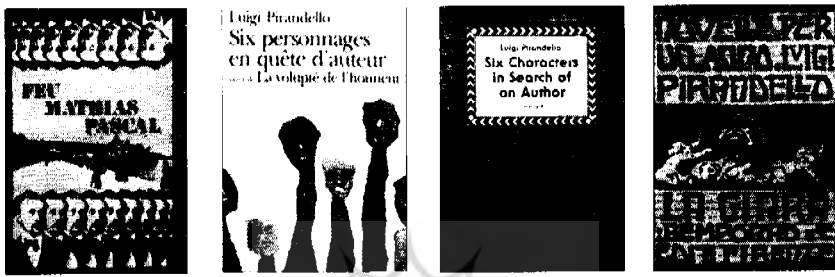
۱۹۲۰: انتشار مجموعه داستان چه دردناک. است اینگونه زیستن. نوشتن مقاله ای درباره جووانی ورگا، (او از دستاوردهای ورسم پیروی می کند). نگارش نمایشنامه های مثل قبل، بهتر از قبل، همه چیز رو به راه است و آدم و حوا اقتباسی از نمایشنامه جدی نگیرید برای سینما. پیراندلو موفقیت در تئاتر را تجربه می کند.

۱۹۲۱: دختر او، لیه تا، ازدواج می کند و به شبلی می رود. نمایشنامه شش شخصیت در جستجوی نویسنده در رم و میلان اجرا می شود و عکس العمل های مختلفی بر می انگیزد. این نمایشنامه سر آغاز شهرت برای پیراندلوست.

۱۹۲۲: نمایشنامه های او در پاریس، لندن و نیویورک اجرا می شوند. نگارش کمدی های هنری چهارم، پوشاندن برهنگان و احمق.

۱۹۲۴: ترور جاکومو ماتتوتی در سپتامبر همان سال و ارسال تلگرام پیراندلو به موسولینی و عضویتش در حزب فاشیست.

۱۹۲۷: در سن ۶۰ سالگی به همراه گروه نمایشی اش به سیر و سیاحت در امریکای جنوبی می پردازد.



۱۹۲۷: انحلال کمپانی تئاتر هنر. سفر به آلمان. در این سال او به عضویت آکادمی سلطنتی ایتالیا درمی آید. نگارش مستعمره جدید و امشب بداهه می سازیم.

۱۹۲۹: نگارش کمدی های یکی ، هیچ کس ، یک هزار و الیعاذر.

۱۹۳۰: نگارش نمایشنامه همانطور که تو مرا می خواهی. او در کشور خودش صاحب شهرت و افتخار فراوانی می شود. اولین فیلم ناطق سینمای ایتالیا، از داستان در سکوت او اقتباس می شود. پیش از این تاریخ، تعداد بسیاری فیلم صامت از داستان های او اقتباس شده اند. در بیرون از ایتالیا، در هالیوود، گر تا گاربو اقتباسی سینمایی از نمایشنامه همانطور که تو مرا می خواهی را جلوی دوربین می برد.

۱۹۳۱: به پرتغال سفر می کند، نمایشنامه شاید یک رویاست، شاید هم نه در لیسبون به زبان پرتغالی اجرامی شود.

۱۹۳۲: و. نارکی یک بیوگرافی از پیراندلو تحت عنوان مرد مرموز، زندگی و رنج ها چاپ

می‌کند. نمایشنامه خویشتن‌یابی با بازی مارتا آبا بر صحنه می‌رود.

۱۹۳۳: نگارش کمدی وقتی آدم کسی می‌شود.

۱۹۳۴: پیراندلو مشوق تشکیل مجمعی دربارهٔ تئاتر در شهر رم می‌شود. در این سال او جایزهٔ نوبل ادبیات را از آن خود می‌کند و افسانهٔ کودک تعویض شده را منتشر می‌کند.

۱۹۳۶: وی در سن ۶۹ سالگی وقتی مشغول اقتباسی از رمان مرحوم ماتیا پاسکال برای سینماست بیمار می‌شود و از بیماری سینه پهلوی فوت می‌کند.
نمایشنامهٔ غول‌های کوهستان او ناتمام می‌ماند. ♦ ♦



